

تختی از زبان رقیبش

۳ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۰:۳۸

شناخت من از ایران از طریق تختی بود. او ورزشکاری بود که از زورخانه به کشتی آمده بود و ارتباط خوب و صمیمانه‌ای با مردم داشت. او مردی ساده بود که عاشق مردم سرزمینش بود. همین خلق و خویش باعث در اولین حضورم در ایران با او دوست شوم و بارها او را بینم به ویژه در خلال مسابقات کشتی. او فقط یک قهرمان کشتی نبود، تختی بسیار فراتر از یک قهرمان عمل می‌کرد، به قول ایرانی‌ها او یک پهلوان تمام عیار بود.

صاف و محکم راه می‌رود و لبخند دائمی صورت سفیدش را جذاب‌تر کرده است. اما دقیق‌تر که نگاه می‌کنی دست‌هایش می‌لرزد و دست راستش بیشتر. از بیماری‌های عمومی که صرف‌نظر کنیم این لرزش جدی‌ترین نشانه پیری در اوست:

الکساندر مدوید، اسطوره کشتی جهان و المپیک.

مدوید در سال ۱۹۳۷ در بیلا در اتحاد جماهیر شوروی به دنیا آمد و از سال ۱۹۶۱ به تیم ملی کشورش پیوست و تا سال ۱۹۷۲ بی‌وقفه در میدان‌های جهانی و المپیک حضور داشت. در طول دوران قهرمانی‌اش تنها دو بار شکست خورد: در جهانی ۶۱ یوکوهاما به ویلفرد دیتریش و در جهانی ۶۵ منچستر به احمد آئیک. او تنها دارنده سه مدال طلای کشتی آزاد المپیک است. مدوید با مرحوم تختی سه بار مبارزه کرد که اولین بار آن در اسفندماه ۱۳۴۰ بود که تیم کشتی آزاد شوروی برای انجام چند مسابقه دوستانه به تهران آمده بود و مدوید جوان با یک خاک بر قهرمان جهان پیروز شد. دومین بار در ۱۹۶۲ تولیدو بود که به تساوی رسیدند ولی به علت سبک‌تر بودن مدوید، وی برنده شناخته شد و آخرین بار هم رقابت‌های جهانی ۱۹۶۶ تولیدو بود که تختی در آخرین میدان جهانی‌اش یک بر صفر مغلوب قهرمان روس شد.

اسطوره کشتی جهان اکنون نایب رییس کمیته ملی المپیک بلاروس و مشاور رییس‌جمهور آن کشور است. گفت‌وگوی اختصاصی خبرآنلاین با الکساندر مدوید در حاشیه سومین دوره جام جهانی ورزش‌های زورخانه‌ای در بلاروس انجام شد و او از خاطرات مشترکش با ایرانیان گفت:

آقای مدوید! چرا ایران از تمام کشورهایی که تا به حال به آن سفر کرده‌اید برای شما متمایزتر است؟
 بلی! از اولین حضور من در ایران بیش از ۵۰ سال می‌گذرد. من نخستین بار در سال ۱۹۶۰ (زمستان ۱۳۴۰) به ایران آمدم. در آن سال‌ها کشتی ورزش اول خیلی از کشورها از جمله ایران بود، اما استقبال مردم شما خیلی متفاوت بود. مهمان‌نوازی و خوش اخلاقی ایرانیان خیلی توجه مرا به خود جلب کرد و خاطرات خوبی را برایم به همراه داشت. شاید برایتان جالب باشد که هنوز مزه

کباب‌هایی که با دوستان ایرانی در بازار تهران خوردیم از یادم نرفته است.

شما از تختی ۷ سال جوان تر هستید، اما ظاهراً خاطراتتان از او فراموش نشدنی است.

شناخت من از ایران از طریق تختی بود. او ورزشکاری بود که از زورخانه به کشتی آمده بود و ارتباط خوب و صمیمانه‌ای با مردم داشت. او مردی ساده بود که عاشق مردم سرزمینش بود. همین خلق و خویش باعث در اولین حضورم در ایران با او دوست شوم و بارها او را ببینم به ویژه در خلال مسابقات کشتی. او فقط یک قهرمان کشتی نبود، تختی بسیار فراتر از یک قهرمان عمل می‌کرد، به قول ایرانی‌ها او یک پهلوان تمام عیار بود.

پهلوان!

رفتار او با مردم بسیار جالب توجه بود. من در سفرهایم به ایران بارها شاهد رفتار صمیمانه و دلسوزانه تختی با مردم بودم به نظر او برای کمک به مردم هیچ محدودیتی نداشت. در اروپا خیلی مرسوم نیست که مردم مشکلاتشان را با ورزشکاران مطرح کنند اما در ایران آن سال‌ها، تختی مورد رجوع مردم بود. به عبارت دیگر او خیلی بیشتر از هویت ورزشی‌اش در جامعه مطرح بود. به نظر من این ارزش است.

از ماندگارترین خاطره ورزشی‌تان با تختی بگویید.

بلی. خاطره‌ای دارم از کشتی با مرحوم تختی که در تاریخ کشتی جهان ثبت است. در سال ۱۹۶۲ در آمریکا (مسابقات جهانی تولیدو) زانویم آسیب دیده بود و درد می‌کرد. وقتی شب قبل تختی از علت ناراحتی من با خبر شد و وقتی همدیگر را دیدم، نگاه عجیبی در صورتش بود. تختی در روز مسابقه اصلاً به سمت پای من نرفت. این پاک‌ترین و صادقانه‌ترین مبارزه در تمام زندگی من بود.

چه احساسی داشتید وقتی خبر درگذشت تختی را شنیدید؟

در سال ۱۹۶۶ توانسته بودم در آخرین کشتی عمر قهرمانی تختی، او را مغلوب کنم و فکر می‌کنم این آخرین دیدارمان بود. وقتی تازه با مدال طلای مسابقات جام جهانی ۱۹۶۷ دهلی بازگشته بودم و خود را آماده مسابقات بعدی می‌کردم خبر فوت تختی را شنیدم. آن روزها سرعت انتقال اخبار مثل امروز لحظه‌ای نبود، اما این خبر و شایعات آن نسبتاً زود به من رسید. البته هیچ‌گاه نتوانستم خودکشی تختی را قبول کنم. به هر حال تختی جزو دوستان ورزشی نزدیک من بود و از شنیدن این خبر بسیار متأثر شدم و لحظات تلخی بر من گذشت.

در صحبت‌های خود از ورزش زورخانه یاد کردید، چرا زورخانه توجه شما را جلب کرده است؟

این ورزش، ورزشی است که آقای تختی مشغول آن بود. نه تنها تختی که خیلی‌ها همچون (عباس) زندی و (منصور) مهدی‌زاده و سایرین در زورخانه‌ها ورزش می‌کردند و در آنجا استعدادشان پرورش می‌یافت. زورخانه یک ورزش عالی است که مرحوم تختی یکی از رشدیافتگان آن است. در طول ۱۰ سال کشتی گرفتن در عرصه جهانی با بسیاری از ایرانیان کشتی گرفتم که اغلبشان از

زورخانه‌ها به این ورزش معرفی شده بودند.

به نظر شما هنوز هم زورخانه ظرفیت جذب مردم را دارد؟

نگاه کنید! برخوردی که یک ورزشکار ایرانی حدود ۵۰ سال قبل با من کرد چه تاثیری روی من داشته است. پیام رفتار آن روز تختی برای همیشه تازه است. اگر تختی آن روز با استفاده از آسیب‌دیدگی من را مغلوب می‌کرد، چیز خاصی اتفاق نمی‌افتاد اما با آن رفتار جوانمردانه باعث شد این خاطره در تاریخ کشتی جهان ثبت شود.

خوب! همین پیام و فرهنگ هم برای امروز کهنه و قدیمی نیست. ورزشکار امروز هم نیازمند خوش اخلاقی است. ورزش زورخانه‌ای شما، ورزشی است که در متن خود پیام‌های فرهنگی و اخلاقی دارد. نگاه کنید امروز در اینجا هم ورزشکاران عراقی، ورزش زورخانه انجام دادند، هم بلاروس‌ها، هم آفریقایی‌ها؛ حضور این‌ها نشان می‌دهد که ورزش زورخانه هم در بخش فرهنگی و هم در بخش ورزشی این قابلیت را داشته است که مردم را به خود جذب کند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۰۵۷/زبان-تختی>